خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

آتش سوزی منزل بیست و هشتم در بجنورد

در پی آتش سوزی یک منزل مسکونی در جنوب شرقی بجنورد، تعداد واحدهای مسکونی دچار حریق شده در این شهر طی امسال به ۲۸ فقره رسید. مدیر عملیات اطفای این آتش سوزی در این باره گفت: در پی اعلام یک فقره آتش سوزی منزل مسکونی در محله شرق سپاه بجنورد

نیروهای آتش نشانی بلافاصله در محل حادثه حاضر و موفق به مهار آتش و نجات یک معلول از داخل منزل شدند. «مجید خوشرفتار» با بیان این که علت آتش سوزی هنوز در حال بررسی است، اظهارکرد: کارشناسان آتش نشانی احتمال می دهند آتش پنهان (ته سیگار یا چوب کبریت) علت بروز این حادثه بوده است. به گزارش روابط عمومی آتش نشانی بجنورد، امسال تاکنون انتقال حرارت و اتصال برق مهمترین علت آتش سوزی منازل مسکونی در بجنورد بوده است.

ماجرای آرایشگری که کارتن خواب شد

قیچی اعتیاد روی نوار خوشبختی

صدیقی

دورهمی های ما به جایی رسید که مدام پای بساط مواد بودم و دیگر مثل سابق به آرایشگاه نمی رفتم. رفته رفته از تعداد مشتری هایم کم شد و درآمدم به شدت افت کرد. چون درآمد گذشته ام عالی بود باید آن را جبران می کردم تا همسرم شک نمی کرد، به همین علت به سراغ پول نزول رفتم و آن را به همسرم دادم تا مثل سابق همه چیز باشد اما طولی نکشید که سود پول بهره ای سر به فلک کشید و کمرم زیر بدهی ها خم و حسابم خالی شد. زندگی ام از هم پاشید و به یک کارتن خواب تبدیل شدم. این ها بخشی از صحبت های یک آرایشگر است که با اعتیادش آتش به جان زندگی اش انداخت. در ادامه گفت و گوی ما را با او می خوانید.

چند وقت است که در کمپ به سر می بری و چه موادی مصرف می کردی؟

سه ماه است که به خاطر تکدی گری، مصرف هروئین و قرص های روان گردان در این مکان هستم.

شغل ات چه بود و چرا به سمت مواد رفتی؟

آرایشگر ماهری بودم و چند شاگرد داشتم. به خاطر رفیق بازی به سمت مواد رفتم و درهای خوشبختی را به روی خودم بستم.

پدر و مادرت کجا هستند، آیا ازدواج کرده ای؟ کمی از ماجرای زندگی ات تعریف کن.

پدرم، مادرم را به خاطر اعتیادش طلاق داد. مادرم آرایشگر بود و او هم مثل من با دوستانش داخل آرایشگاه مواد مصرف می کرد و کار به جایی رسید که حتی حبوبات خانه را برای خرید مواد می فروخت و پدرم وقتی فهمید او را طلاق داد. بعد از گرفتن دیپلم به کلاس آرایشگری رفتم و به خاطر استعداد زیادم در مدت کوتاهی آرایشگر ماهری شدم و برای خودم یک مغازه باز و در کارم خیلی پیشرفت کردم. بعد از مدتی کافی شاپ باز کردم. درآمدم هر روز بیشتر می شد بعد از ازدواج با چند نفر از مشتریانم رفت و آمد خانوادگی کردم، دورهمی هایی که عاقبت سیاهی داشت. اوایل از مصرف الکل آغاز شد و در نهایت به هروئین و قرص های روان گردان کشیده شد. چون همسرم مخالف سرسخت مواد بود برای همین دور از چشم او یک خانه مجردی گرفتم و با دوستان قمار بازم روزی چند ساعت و حتی شب ها مواد مصرف می کردیم.

مدام پای بساط مواد بودم و دیگر مثل سابق به آرایشگاه نمی رفتم و رفته رفته از تعداد مشتری هایم کم شد. چون درآمد گذشته ام عالی بود باید آن را جبران می کردم تا همسرم به ماجرا شک نمی کرد. به خاطر این کار به سراغ پول بهره ای رفتم و آن را به همسرم دادم تا مثل سابق همه چیز رو به روال باشد اما طولی نکشید که سود پول نزول سر به فلک کشید و کمرم زیر بدهی ها خم و حسابم خالی شد.

طلبکارها یکی یکی آفتابی شدند و یقه من را گرفتند و شروع به فروش اموالم کردم. همسرم زمانی متوجه ماجرا شد که فقط لباس تنم برایم باقی مانده بود و حتی شب تحویل سال پولی برای خرید لوازم مورد نیاز سفره هفت سین نداشتم. مجبور شدم مغازه را واگذار کنم و به تهران رفتم. قرار شد بعد از شش ماه که اوضاع بهتر شد به خانه برگردم اما شاگرد مغازه ام به خاطر شرایطم به من رو دست زد و پول مغازه را بالا کشید. بعد از این اتفاق همسرم را راضی کردم که به تهران بیاید و چند سالی در آن جا زندگی کردیم. دوباره در یک آرایشگاه مشغول به کار شدم و بعد از دو سال کار سخت درآمدم زیاد شد و یک خانه اعیانی اجاره کردم و پول اکثر طلبکارها را دادم. همسرم به من اجازه داد به صورت کنترل شده در خانه مواد مصرف کنم.

اما دوباره رفت و آمد خانوادگی با چند نفر، کار دستم داد و این بار در دام مواد صنعتی افتادم. نزدیک تحویل سال بود، حتی کرایه برگشت به خانه را نداشتم و برای همین زمانی که با یک دربستی جلوی درخانه رفتم به دروغ به همسرم گفتم چون همه پول هایم تراول است و پول خرد ندارم کرایه ماشین را حساب کند.

بعد از این ماجرا همسرم موضوع را فهمید و جار و جنجال به راه انداخت و درخواست طلاق داد. روزی که قرار بود خطبه طلاق جاری شود از همسرم خواستم به من یک فرصت دیگر بدهد تا دوباره خودم را پیدا و اعتیادم را ترک کنم. خوشبختانه او قبول کرد. بعد از گرفتن مهلت به کمپ رفتم و دوباره با پاکی سر زندگی ام حاضر شدم.

چطور شد که پای قولت نماندی و دوباره راه کج را انتخاب کردی؟

بعد از این که از کمپ بیرون آمدم همسرم طلاهایش را فروخت و از من خواست دوباره آرایشگاه ام را راه بیندازم.

طلب های دو نفر از طلبکارهایم باقی مانده بود که قرار شد به طور قسطی طلب شان را بدهم. سه ماه از پاک شدنم گذشت تا این که روزی پدر خانمم به خاطر طلب اش به مغازه ام آمد و جلوی مشتری هایم من را سکه یک پول کرد و با ایجاد درگیری مغازه ام را به هم ریخت. با عصبانیت به خانه برگشتم و همسرم هم از این اتفاق ناراحت بود.

به خاطر روحیه بدی که داشتم به سراغ ساقی رفتم و دوباره مصرف مواد را شروع کردم. این بار هر چقدر به همسرم التماس کردم که من را ببخشد اما فایده ای نداشت و به خاطر سابقه و بدعهدی های پی در پی ام درنگ نکرد و طلاقش را گرفت و با تنها فرزندم به خانه پدرش رفت.

گفتی سابقه تکدی گری و کارتن خوابی داشتی، دلیل آن چه بود؟

بله. من که روزگاری برای خودم کسی بودم و چندین شاگرد داشتم به روزی افتادم که برای چند ریال دست جلوی مردم دراز می کردم و شب ها در خرابه ها و جوی های آب می خوابیدم. بعد از این که همسرم طلاق گرفت انگار روحم از بدنم جدا شد و با جمع کردن مغازه ام مثل جنازه متحرک در کوچه و خیابان آواره شدم. به خاطر بی پناهی به دایی ام که مواد فروش و سارق بود پناه بردم و در یک خرابه که سقف و دیوارش با گونی و لوازم مستعمل پوشیده شده بود زندگی می کردم.

چه شد که سر از کمپ درآوردی؟

روزی یکی از دوستانم من را با وضعیت اسفناک دید و از من خواست که به کمپ بیایم و گفت تمام هزینه ها را می دهد. الان چند ماه است که به دور از هر گونه آلودگی زندگی ام را سپری می کنم. هر وقت یاد روز آخر جدایی از همسرم می افتم اشک از چشمانم جاری می شود. ما به سختی به هم رسیده بودیم.

در راهروی دادگاه خانواده

۵ سال زندگی کابوس وار با مرد متوهم

صدیقی- ای کاش روز اول نامزدی مان که همسرم مقابل یک عابر بانک کلمات عجیب و غریب به زبان می آورد به او شک می کردم و پی به بیماری روحی و روانی اش می بردم. بعد از چندین سال زندگی مشترک و یک بچه خردسال نمی دانم آینده زندگی مان به کجا ختم می شود. زن جوان درباره زندگی اش می گوید: ۵ سال زندگی با همسرم مثل یک کابوس گذشت و من خوش خیال فکر می کردم می توانم با رسیدگی به همسرم او را به زندگی عادی برگردانم اما همه اش سراب بود. همسرم شغل دهان پرکنی داشت و گول اسم و رسم اش را خوردم و به این که او دارای موقعیت اجتماعی خوب است بسنده و با او ازدواج کردم. او مشکل روانی داشت و شکاک بود و مدام به من تهمت می زد که با نزدیکان خودش رابطه دارم.

همسرم من را تهدید می کرد و هر چقدر سعی می کردم او را از این توهماتش بیرون بیاورم فایده ای نداشت و برعکس با چوب و چماق به جانم می افتاد و من را کتک می زد. حتی زمانی که از شوهرم می خواستم بچه را نگه دارد تا من بیرون از خانه راحت تر به کارهایم برسم به من می گفت به خاطر این که نمی خواهم بچه شاهد رابطه ام با افراد غریبه باشد او را با خودم به بازار نمی برم. این توهمات بدجور من را شکنجه می داد. بعد از مدتی فهمیدم قبل از ازدواج مان شوهرم سابقه بستری شدن در بیمارستان اعصاب و روان را داشته و خانواده اش این موضوع را از من و خانواده ام پنهان کرده بودند. موضوع تهمت های همسرم به جایی رسید که حتی روزی با نشان دادن یک فیلم غیر اخلاقی ادعا کرد که چون بینی زن فیلم شبیه من است آن زن من هستم و گفته های او در مورد رابطه ام با افراد غریبه درست است و با این تهمت های ناروا من را به شدت کتک زد. بعد از این اتفاقات تازه متوجه حرف های عجیب و غریب همسرم در روز اول نامزدی مان شدم که جلوی یک عابر بانک زمانی که دو نفر کمی دورتر از ما با یکدیگر صحبت می کردند به من گفت که آن دو نفر نقشه کشتن او را می کشند و قصد شومی در سر دارند. من آن موقع فکر می کردم همسرم شوخی می کند و قصد خنداندن من را دارد.

وقتی دیدم که صبوری فایده ای ندارد و با زندگی با یک مرد شکاک و بدبین علاوه بر این که جانم در خطر است عمرم را به هدر می دهم تصمیم گرفتم به دادگاه خانواده بیایم و درخواست طلاق بدهم تا دیگر بیش از این تهمت و ناروا نشنوم.

اخبار

جریمه ۷ میلیون ریالی برای تخلف جابه‌جایی شیر خام

راننده خودروی حمل شیر خام به علت عدم دریافت مجوز قرنطینه ۷ میلیون ریال جریمه شد. رئیس شبکه دام پزشکی راز و جرگلان گفت: با انجام گشت مشترک و توقیف خودروهای حامل دام زنده و فراورده های خام دامی خودروهای متخلف که فاقد مجوز قرنطینه بودند به مراجع قضایی معرفی شدند. دکتر «ولی عابدی» گفت: راننده خودروی حمل شیر خام که با وجود تذکرات قبلی و بدون توجه به قوانین، به حمل شیر خام بدون مجوز اقدام کرده بود، پس از توقیف به مراجع قضایی معرفی و به پرداخت ۷ میلیون ریال جریمه محکوم شد. وی افزود: خودروی حمل دام زنده بدون مجوز حمل نیز در همین گشت متوقف و راننده یک میلیون ریال جریمه شد. وی خاطرنشان کرد: حمل و نقل بدون مجوز قرنطینه فراورده های خام دامی و در شرایط غیر بهداشتی باعث به خطر افتادن سلامت شهروندان می شود.

۴ مصدوم در پی واژگونی یک خودرو

رئیس اداره حوادث و فوریت های پزشکی دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی اسفراین از مصدومیت ۴ نفر در پی واژگونی خودروی پژو ۴۰۵ در ورودی محور بجنورد – اسفراین خبر داد. «سید حبیب حسینی» خاطر نشان کرد: ساعت ۱۷:۳۵ روز جمعه، واژگونی پژو ۴۰۵ به مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی این شهرستان گزارش شد که ۴ مصدوم آن برای سیر مراحل درمانی با ۲ آمبولانس به بیمارستان امام خمینی(ره) اعزام شدند.